

الهیات تطبیقی (علمی)

سال دهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۸

ص ۱۲۵-۱۳۸

رہیافتی تاریخی به نقد منابع در مطالعه اسفار خمسه

مجتبی زروانی* - قربان علمی** - میلاد اعظمی مرام***

چکیده

مطالعه اسفار خمسه همیشه با چالش‌هایی روبه‌رو بوده است که گاه حل‌ناشدنی به نظر می‌رسند؛ المثنی‌ها و مکررات، تناقض‌ها، تفاوت‌های سبکی و زبانی از این دست مشکلات‌اند. عالمان یهودی این ناسازگاری‌ها را به صورت سنتی ظاهری دانسته و با اتخاذ رویکردهایی تفسیری، در مصالحه این بخش‌های اسفار خمسه با هم سعی داشته‌اند. از رنسانس به بعد، به‌ویژه از عصر روشنگری تاکنون که مطالعه علمی و روشمند متون ادبی مطرح شد، نظریه‌ها و فرضیه‌های متفاوت و گاه متعارضی درباره ماهیت اسفار خمسه مطرح شده‌اند. نقد منابع یکی از آنهاست که در این مقاله تلاش شده است با رهیافت تاریخی، پیشینه، شخصیت‌ها و اندیشه‌های اصلی آن بررسی شوند و نقدهای مبنایی به آن به‌اجمال یادآور شوند. اتخاذ این رویکرد در سده‌های هجدهم و نوزدهم باعث شد فرضیه‌هایی درباره ماهیت اسفار خمسه شکل بگیرند؛ از جمله: فرضیه متقدم اسناد، فرضیه قطعه‌ها، فرضیه تکمیل و فرضیه متأخر اسناد. مفروض بنیادین فرضیه‌های مذکور این است که اسفار خمسه دارای وحدت ادبی نیست، بلکه در گذر زمان طول و تفصیل یافته و مشتمل بر لایه‌های ادبی متفاوتی است.

کلید واژه‌ها: اسفار خمسه، فرضیه متقدم اسناد، فرضیه متأخر اسناد، نقدهای مبنایی

zurvani@ut.ac.ir

gelmi@ut.ac.ir

miladazamiram@gmail.com

* دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه تهران، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

** دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه تهران، تهران، ایران

*** دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۱/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۷

Copyright © 2019, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

۱ مقدمه

متوجه آنها می‌شود. این واقعیت‌های متنی در دو طیف متفاوت واکنش‌هایی برانگیخت: (۱) عالمان سنتی یهودی - مسیحی؛ (۲) پژوهشگران آکادمیک.

عالمان سنتی از یک سو نمی‌خواستند این باور دینی را رد کنند که حضرت موسی نویسنده اسفار خمسه است و از سوی دیگر، نمی‌توانستند مشکلات مذکور در عهد قدیم را کتمان کنند؛ به همین دلیل، مدعی شدند می‌توان با رویکردهایی تفسیری این مسائل را پاسخ داد. آنها معتقد بودند این دست تناقضات و ناهمسانی‌ها ظاهری‌اند و نه تنها در یکدستی و انسجام متن خللی وارد نمی‌کنند، با اتخاذ ابزارهای تفسیری مناسب می‌توان به آنها پاسخ‌هایی قانع‌کننده داد؛ برای مثال، درباره مطالبی که به لحاظ تاریخی نمی‌توانست برای حضرت موسی آشنا باشد، می‌گفتند ایشان نبی بودند و مطابق شأن این مقام از آینده مطلع‌اند. این دست پاسخ‌های سنت‌محور تا اواخر عصر قرون وسطا رویه غالب بود؛ برای مثال، در فرانسه سلیمان بن اسحاق (۱۰۴۰-۱۱۰۵) معروف به راشی و در اسپانیا موشه بن نحمان (۱۱۹۴-۱۲۷۰) می‌کوشیدند با رویکردهایی تفسیری بین بخش‌ها و آیات به ظاهر متناقض عهد قدیم مصالحه ایجاد کنند.

سپس، برخی از عالمان سنتی بدین نتیجه رسیدند که گرچه حضرت موسی نویسنده اسفار خمسه است، نشان سطرها و قسمت‌هایی دیده می‌شوند که افزوده‌های بعدی باشند. در سده یازدهم، اسحاق ابن یشوش (۹۸۲-۱۰۵۷) تفسیری نوشت و دعاوی جدیدی مطرح کرد. «ابن یشوش دریافت بخش‌هایی از اسفار خمسه (برای مثال، پیدایش، ۳۶، ۴۳-۳۱) هرگز نمی‌توانست نوشته حضرت موسی باشد» (Roth, 2003, p.100). این اظهارنظر نسبتاً سنت‌شکنانه واکنش‌هایی برانگیخت؛ از جمله ابراهیم ابن عزرا (۱۰۸۹-۱۱۶۷) به شدت با آرای او به مخالفت برخاست و او را «اسحاق تبهکار» نامید و موجبات بدنامی و طرد افکار او را در میان یهودیان زمان فراهم ساخت. شگفت آنکه خود «ابراهیم ابن عزرا در تفسیر اسفار

در مطالعات سنتی و آکادمیک اسفار خمسه چالش‌ها و مسائل اختلافی کمابیش بسیاری وجود دارد که هنوز پاسخی قطعی دریافت نکرده‌اند و شاید هیچ‌گاه دریافت نکنند؛ اما «این در سرشت علوم انسانی است که با نتیجه‌گیری‌های ناهمگون و بحث بر سر همین نتیجه‌گیری‌ها ملازم باشد؛ هرگز تنها راه‌حلی وجود نخواهد داشت. هرکس یک راه‌حل قطعی را بجوید یا فرض بگیرد، خود را از دایره تحقیق بیرون می‌برد» (Kratz, 2016, p.532). همچنین پرداختن به این چالش‌ها و مسائل چنان اهمیت و موقعیتی در مطالعات اسفار خمسه دارند که هرگز نمی‌توان از آنها غافل شد. ماهیت اسفار خمسه، نویسنده(های) آن، ارتباط مطالب آن با تاریخ و دین اسرائیل باستان از این دست مسائل‌اند. «یهویان به صورت سنتی اسفار خمسه را سندی یکدست می‌دانستند که خداوند به حضرت موسی الهام کرد. خود اسفار خمسه چنین ادعای ندارد؛ اما تثنیه، ۳۱: ۹، ۲۴-۲۶ گزارش می‌دهد حضرت موسی "این شریعت" را نگاشت و از این سخن چنین برداشت شد که حضرت موسی کل اسفار خمسه را ضبط کرده است» (Friedman & Overton, 2007, p.734). عالمان یهودی و مسیحی از همان آغاز متوجه ناهمسانی‌ها، تناقضات و روایت‌هایی متفاوت در طرح مطالب بودند «این کتاب رویدادها را به یک نظم خاص گزارش می‌دهد و بعد همان‌ها را به نظم متفاوت روایت می‌کند. می‌گوید از فلان چیز دو عدد وجود دارد. در جایی دیگر می‌گوید از همان چیز چهارده عدد وجود دارد. می‌گوید ساکنان موآب فلان کار را انجام دادند، بعد می‌گوید ساکنان مدیان بودند. در فصلی که حضرت موسی هنوز خیمه را نساخته، می‌گوید او وارد خیمه شد ... اسفار خمسه شامل مطالبی است که حضرت موسی نمی‌توانست از آنها آگاه باشد یا آنها را گفته باشد» (Friedman, 1987, p.18). این تنها چند نمونه از مواردی است که هر خواننده دقیقی در نگاه نخست

۲ پیشینه مطالعات انتقادی

عموماً فیلسوف انگلیسی تامس هابز^۴ (۱۶۷۹-۱۵۸۸) را آغازگر مطالعات انتقادی عهد قدیم می‌داند. هابز صریحاً مدعی شد حضرت موسی نویسنده کل اسفار خمسه نیست. او می‌نویسد «در فصل آخر سفر تنبیه، آیه ۶ می‌خوانیم: "هیچ کس تا به امروز از مقبره او آگاهی ندارد!" یعنی تا آن روزی که آن کلمات نوشته شده‌اند؛ بنابراین، معلوم است که آن کلمات پس از تدفین او نوشته شدند؛ زیرا تعبیر غریبی خواهد بود اگر بگوییم حضرت موسی (حتی با قدرت پیشگویی پیامبرانه خود) گفته باشد مقبره‌اش تا آن روز، درحالی‌که او هنوز زنده بود، هنوز پیدا نشده است» (هابز، ۱۳۸۹: ۳۳۵). دیدگاه سنتی بدین مسئله آگاه بود و برای توجیه آن دلایلی اقامه می‌کرد؛ برای مثال، «مطابق یک سنت قدیمی، ادعا می‌شد یوشع، جانشین حضرت موسی، این گزارش را نوشته است» (Freedman, 1987, p.19). این پاسخ سنتی، هابز را قانع نمی‌کرد؛ زیرا به اعتقاد او در اسفار خمسه آیات دیگری می‌توان یافت که بنابر منطق نوشته حضرت موسی نیست؛ برای نمونه، هابز به پیدایش، ۱۲: ۶ ارجاع می‌دهد «ابرام از سرزمین گذشت تا به مکان مقدس شکیم در بلوطستان موره رسید و در آن زمان کنعانیان در آن سرزمین بودند.» او می‌نویسد «این کلمات می‌باید لاجرم کلمات کسی باشد که وقتی کنعانیان در آن سرزمین نبودند، مطلب را نوشته باشد و در نتیجه کلمات حضرت موسی نیست که پیش از آنکه به آن سرزمین برسد، مُرد» (هابز، ۱۳۸۹: ۳۳۵). مطابق تحلیل او، حضرت موسی تنها نویسنده آن آیات و بخش‌هایی از اسفار خمسه است که مطابق ادعای خود این اسفار سخنان حضرت موسی است. چهار سال بعد، فرانسوی کالونی به نام ایزناک دولاپیره^۵ (۱۶۷۶-۱۵۹۶) نیز مدعی شد حضرت موسی نویسنده اسفار خمسه نیست. در همین زمان، باروخ اسپینوزا (۱۶۳۲-۱۶۷۷) مدعی شد عبارات مشکل در

خمسه تردیدهایی در باب مسئولیت مستقیم حضرت موسی در قبال نگارش کل این کتاب‌ها داشت» (Knight, 2006, p.34). او چندین آیه را یادآور شد که ظاهراً نوشته حضرت موسی نبود، اما نمی‌خواست مانند ابن یوشوش آشکارا بگوید حضرت موسی نویسنده آنها نیست. «او صرفاً می‌نویسد: و اگر بفهمی، حقیقت را خواهی شناخت. او به هنگام صحبت از یک تناقض دیگر می‌نویسد: و آنکه می‌فهمد، سکوت خواهد کرد» (Friedman, 1987, p.19). در نیمه دوم سده چهاردهم، یوسف بن الیعرز تفسیری بر تفسیر ابن عزرا در باب اسفار خمسه نوشت و کوشید مشکل تناقض‌ها و ناهمسانی‌هایی را حل کند که ابن عزرا در اسفار خمسه یافته بود و همچنین، ابن عزرا را از اتهام بدعت تبرئه کند که برخی از دیدگاه‌های انتقادی برای او به همراه آورده بود (Ta-Shma, 2007, p.62). او درباره مواردی که ابن عزرا یافته بود، مدعی شد نه حضرت موسی، یکی از پیامبران پسین نویسنده آنهاست. همین روند در سده پانزدهم ادامه یافت و توستاتوس اسقف آبیلا مدعی شد برخی عبارات، به‌ویژه گزارش مرگ حضرت موسی، نوشته ایشان نیست. این اظهارات باعث شد مطالعات سنتی کتاب مقدسی وارد مرحله دیگری شود که در آن هنوز عالمان مدعی بودند «حضرت موسی نویسنده اسفار خمسه است، منتها ویراستاران بعدی گهگاه واژه‌ها یا عبارت‌هایی بدان افزوده‌اند» (Friedman, 1987, p.19-20). در سده شانزدهم، کاتولیک فلامنی به نام آندرناس فان ماس^۱ (۱۵۷۳-۱۵۱۴) و نیز دو عالم یسوعی به نام‌های بندیکت پرییرا^۲ (۱۵۳۶-۱۶۱۰) و ژاک بونفریه^۳ (۱۵۷۳-۱۶۴۲) مدعی وجود متنی اصلی نوشته حضرت موسی شدند که نویسندگان بعدی آن را بسط داده بودند.

¹. Andreas van Maes

². Benedict Pereira

³. Jacques Bonfrère

⁴. Thomas Hobbes

⁵. Isaac de la Peyrere

آغازین کتاب خود می‌نویسد (نقل از Brown, 2007, p.93) «هیچ‌کس نمی‌تواند تردیدی داشته باشد که حقایق مندرج در کتاب مقدس خطاناپذیرند و دارای وثاقت الاهی؛ زیرا مستقیماً از جانب خدایی می‌آیند که از خدمت دینی انسان‌ها به‌عنوان مفسران خود استفاده می‌کند.» سیمون مدعی بود «هسته اسفار خمسه (شرايع) نوشته حضرت موسی است؛ اما افزوده‌هایی وجود دارد» (Friedman, 1987, p.21). به اعتقاد او، انبیا مسئول کتابت صحف مقدس بودند و این مسئولیت را با هدایت روح الاهی انجام دادند؛ به همین دلیل اثر خود را دفاعیه‌ای برای کتاب مقدس می‌دانست و مدعی بود «تردیدها درباره کتاب مقدس مشکلی برای عقاید کاتولیک ایجاد نکرده است» (بار، ۱۳۸۶: ۲۰۰). این ایده سیمون که «کتابان» کتاب مقدس روایت‌هایشان را از منابع اصلی گردآوری کرده‌اند، مقدمه شکل‌گیری فرضیه‌هایی را درباره اسناد اسفار خمسه فراهم ساخت.

۳ شخصیت‌ها و اندیشه‌های اصلی فرضیه اسناد

فرضیه اسناد یا منابع اسفار خمسه، نظیر هر فرضیه دیگری، تاریخی داشته و در این مسیر دچار اصلاحات و اضافات شده است. این تاریخ را می‌توان در سه دوره صورت‌بندی کرد: دوره تکوین، دوره انتقاد، دوره اصلاح. در ادامه کوشش شده است با بررسی شخصیت‌ها و اندیشه‌های اصلی هریک از ادوار مذکور، سیر پیشرفت درونی این فرضیه ترسیم شود.

۳-۱ دوره تکوین: فرضیه متقدم اسناد

چنانکه ملاحظه شد از سده یازدهم بدین سو تردیدهایی درباره مرجعیت حضرت موسی در نگارش اسفار خمسه وجود داشت و «اکنون جز یهودیان ارتدوکس و مسیحیان بنیادگرا که به‌عنوان یک امر ایمانی به مرجعیت حضرت موسی در نگارش اسفار خمسه اعتقاد دارند، کمتر محققى در جهان معتقد است که حضرت موسی - یا حتی یک نویسنده - اسفار خمسه را

سراسر اسفار خمسه ساری است و توجیه آن، نیازمند روش منسجم است.

مفروض عالمان سنتی یهودی - مسیحی این بود که کتاب مقدس سخن مستقیم خداست و از این‌رو تناقض‌های موجود در آن را ظاهری می‌دانستند و عبارات مدنظر را نه تحت‌اللفظی، بلکه مجازی می‌فهمیدند. اسپینوزا این روش را رد کرد؛ زیرا معتقد بود «انتخاب معنی مجازی بسته به دلخواه مفسر است و آنجا که از جمله‌ای دو یا چند معنای مجازی می‌توان دریافت، معیاری برای ترجیح معنایی بر معنای دیگر وجود ندارد» (یاسپرس، ۱۳۷۸: ۱۲۸). به اعتقاد او، کتاب مقدس را باید مانند هر کتاب دیگری، با اندیشه آزاد و فاقد پیش‌داوری خواند. او در رساله الاهی - سیاسی^۱ (۱۶۷۰) روشی نظام‌مند برای این خوانش ارائه داد. به اعتقاد او، مطالعه انتقادی کتاب مقدس یک اصل پایه دارد: هیچ‌چیز از اصول کتاب مقدس نیست، مگر آنکه تاریخ کتاب مقدس آن را تأیید کند. به اعتقاد اسپینوزا، نگارش چنین تاریخی سه اصل دارد: ۱) آگاهی دقیق از زبان کتاب مقدس؛ ۲) دسته‌بندی موضوعی مطالب و تعیین گزاره‌های چندپهلوی یا مبهم؛ ۳) شناخت تاریخ، شخصیت و دغدغه هر یک نویسندگان کتاب مقدس (اسپینوزا، ۱۳۹۶: ۲۴۱ - ۲۳۸). یاسپرس در این باره می‌نویسد «اسپینوزا با این روش به تأسیس علم تأویل کتاب مقدس به معنی جدید - به‌عنوان علم تأویل تاریخی - موفق می‌شود» (یاسپرس، ۱۳۷۸: ۱۲۹). اسپینوزا معتقد بود حضرت موسی نویسنده اسفار خمسه نیست، بلکه بعد نوشته شده است.

ریشار سیمون^۲ (۱۶۳۸ - ۱۷۱۲) تاریخ انتقادی عهد قدیم^۳ را با هدف نقد اندیشه‌های اسپینوزا نوشت و با اتخاذ روش تاریخی - انتقادی پاسخی به او و برخی دیگر از پروتستان‌ها زمان ارائه دهد. او در صفحات

¹. Tractatus Theologico-Politicus

². Richard Simon

³. Histoire critique du Vieux Testament

با مبادی و اهداف عینی، نه تنها وجود «منابعی پیش از حضرت موسی را اثبات کرد، کوشید آنها را در متن کنونی اسفار خمسه نیز شناسایی کند» (Knight, 2006, p.46). او پژوهشی ناتمام درباره سفر پیدایش منتشر کرد و در آن بر تفاوت بین اسم‌های الاهی الوهیم (۱: ۱-۲، ۴الف) و یهوه الوهیم (۲: ۴ب - ۳: ۲۴) تأکید کرد. «ویتر چنین می‌اندیشید که حضرت موسی در تألیف اسفار خمسه از منابع مختلفی استفاده کرده است» (Ska, 2006, p.102).

نتایج ژان آستروک در مطالعه اسفار خمسه باعث شد برخی او را بنیان‌گذار نقد کتاب مقدسی کلاسیک بدانند. او گمان‌هایی درباره وقایع‌نامه‌هایی اصلی که ظاهراً موسی در تألیف سفر پیدایش از آنها استفاده کرده است^۶ را در ۱۷۵۳ نگاشت و «کوشید نشان دهد حضرت موسی، ویراستار پیدایش و دو فصل اول خروج، از دو منبع موازی و ده قطعه قبلاً مکتوب استفاده کرده است» (Segal, 2007, p.627). بدین صورت، گرچه او «مرجعیت حضرت موسی در نگارش اسفار خمسه را به نحو بنیادین به چالش نکشید، انگیزه آغازین مهمی را در تفسیر منابع - انتقادی تدارک دید» (Ausloos, 2015, p.3). آستروک برای شناسایی دو منبع مذکور بر تفاوت در کاربرد و موقعیت دو اسم الاهی الوهیم و یهوه تأکید داشت. او در کتابش می‌نویسد (به نقل از Creed & Smith, 2013, p.229): «در متن عبری پیدایش، در بیشتر اوقات دو اسم مختلف به خدا داده می‌شود. الوهیم ... و یهوه. یهوه به اتفاق آرای مفسران، اسم اعظم خداست و از ذات او می‌گوید.» او این دعوی سنتی را نمی‌پذیرد که اسامی مذکور صرفاً دو اسم متفاوت خداست و می‌گوید «این اسامی هرگز با هم قاطی نمی‌شوند: فصل‌هایی کامل یا بخش‌هایی عظیم از یک فصل وجود دارد که در آن خدا همیشه الوهیم نامیده می‌شود نه یهوه،

ضبط کرده باشد» (Friedman & Overton, 2007, p.734). در این میان، ایده سیمون مینی بر وجود متون اصلی در نگارش اسفار خمسه اهمیت فراوان داشت؛ زیرا زمینه را برای صورت‌بندی فرضیه‌هایی فراهم ساخت که مدعی بودند بر پایه نقد متن اسفار خمسه شکل گرفته‌اند و برای مشکلات درونی آن تبیین‌هایی روشمند و قانع‌کننده دارند. شاهد جدیدی که پژوهشگران را در تأیید ایده سیمون ترغیب کرد، وجود یک مورد با بسامد زیاد در متن اسفار خمسه بود: المثنی‌ها^۱. منظور از المثنی‌ها نمونه‌هایی است که در اسفار خمسه دو گزارش به نسبت متفاوتی از آنها ارائه می‌شود «از خلقت جهان دو داستان متفاوت وجود دارد. از عهد بین خدا و ابراهیم، از نام‌گذاری اسحاق پسر ابراهیم، از اینکه ابراهیم پیش یک پادشاه بیگانه سارا زن خود را خواهرش معرفی کرد، از سفر یعقوب پسر اسحاق به بین‌النهرین، از الهام به یعقوب در بیت‌ئیل، از اینکه خدا اسم یعقوب را به اسرائیل تغییر داد ...» (Friedman, 1987, p.22). فقط در سفر پیدایش حدود بیست المثنی وجود دارد. پژوهشگران این المثنی‌ها را در کنار هم بررسی کرده‌اند و به کشف دیگری رسیده‌اند: مشاهده شد به‌هنگام تفکیک هر جفت از این داستان‌ها، یکی از آنها با اسم خدا (در عبری: ال یا الوهیم) و دیگری با اسم خاص یهوه به خدا اشاره می‌کند. واقعیت‌های متنی مذکور این اندیشه را به ذهن پژوهشگران متبادر ساخت که در نگارش اسفار خمسه دو منبع موازی اساس کار بوده است (فرضیه متقدم منابع/ اسناد^۲). سه پژوهشگر به‌صورت مستقل، به این نتیجه رسیدند: هنینگ برنهارت و ویتتر^۳ (۱۶۸۳-۱۷۱۵)، ژان آستروک^۴ (۱۶۷۴-۱۷۶۶) و یوهان گوتفرت آیشهورن^۵ (۱۷۵۲-۱۸۲۷).

ویتر با رویکردی تاریخی به اسفار خمسه، به‌منزله ادبیاتی

^۶. Conjectures sur les mémoires originaux, dont il parait que Moïse s'est servi pour composer le livre de la Genèse

^۱. doublet

^۲. Earlier Documentary/ Source Hypothesis

^۳. Henning Bernhard Witter

^۴. Jean Astruc

^۵. Johann Gottfried Eichhorn

اسفار، وجود چند منبع کوچک‌تر را نیز مطرح کرد که همین امر باعث می‌شود فرضیه او به فرضیه قطعه‌ها نیز نزدیک شود.

۲-۳ دوره انتقاد: فرضیه قطعه‌ها و فرضیه تکمیل

جیزی نگذشت که فرضیه متقدم منابع / اسناد یک رقیب قدرتمند یافت. کشیش اسکاتلندی به نام الگزاندر گدیز^۴ (۱۷۳۷-۱۸۰۲) در کتاب *مقدس با ترجمه معتبر* (۱۷۹۲) و پس از آن در کتابی مجزا با نام *اظهارات انتقادی در باب متون مقدس عبری*^۵ (۱۸۰۰) «این نظریه محافظه‌کارانه آستروک و آیشهورن را رد کرد که حضرت موسی در نگارش سفر پیدایش، تنها از دو سند اصلی استفاده کرده است» (Strahan, 1908, p.315). گدیز به «تشریح این دیدگاه پرداخت که اسفار خمسه و کتاب یوشع - به اعتقاد او کتاب یوشع نه تنها ادامه داستان اسفار خمسه است، از همان منابع ادبی است^۶ - تألیفی از قطعه‌هایی بسیار و اساساً مجزا بودند که یک ویراستار آنها را ترکیب کرده است» (Nicholson, 1998, p.7). به اعتقاد گدیز، این قطعه‌ها ذاتاً مستقل بودند و ترکیب آنها بیان‌کننده نظم و هدف خاصی نیست؛ به همین دلیل، فرضیه او به فرضیه قطعه‌ها^۸ مشهور شد. یوهان زورین

و جاهایی دیگر، دست‌کم به همان اندازه، هست که در آن خدا همیشه یهوه خطاب می‌شود نه الوهیم (همان). آستروک با بررسی مقایسه‌ای المثنی‌ها و تأکید بر ارتباط معنادار بخش‌هایی که از اسم الوهیم یا یهوه برای خدا استفاده می‌کنند، به این نتیجه رسید که اسفار خمسه اثری یکدست و مستقل نیست؛ بلکه حضرت موسی با تکیه بر منابع و قطعه‌هایی به ویراستاری آن پرداخته است. اهمیت اثر او در همین نتیجه‌گیری است و الا آستروک رویکرد ادبی منسجمی در شناسایی منابع مذکور ارائه نداد.

یکی از دلایل آیشهورن نیز در شناسایی دو منبع مستقل در نگارش پیدایش تأکید بر اسامی مختلف خدا بود: «آیشهورن در داوری‌های انتقادی مشروح خود از سفر پیدایش، دو روایت درهم‌بافته را تشخیص می‌دهد. در یکی، پروردگار یهوه، سرور و در دیگری، الوهیم یا خدا نامیده می‌شود» (کیویت، ۱۳۷۶: ۱۱۳). او این دلیل را گرچه شاهدهی مناسب می‌دید، کافی نمی‌دانست و برای تأیید فرضیه خود از براهین ادبی، سبک‌شناختی و لغوی نیز استمداد گرفت. «آیشهورن ... برپایه بازگویی‌ها، تناوب اسم خدا، لغات مختلف و سبک متغیر نتیجه گرفت پیدایش بر پایه دو اثر تاریخی نوشته شده است» (Ausloos, 2015, p.4). او در مقدمه بر عهد قدیم^۱ (۱۷۸۰) دو منبع را در سفر پیدایش شناسایی کرد و آنها را مطابق استفاده‌شان از اسم الاهی، سند الوهیم^۲ (E) و سند یهوه^۳ (Y) نامید. او در ابتدا می‌پنداشت حضرت موسی مسئول تلفیق این اسناد است، اما «در ویراست چهارم کتاب خود (۱۸۲۳)، ایده مرجعیت حضرت موسی در نگارش اسفار خمسه را کنار نهاد و گردآوری و گروه‌بندی اسناد اصلی سفر پیدایش و دیگر کتاب‌ها را به یک گردآورنده نسبت داد» (Römer, 2006, p.11). فرضیه اسناد دوگانه آیشهورن محدود به پیدایش بود و برای دیگر

4. Alexander Geddes

5. Holy Bible faithfully translated from corrected Texts of the Originals, with Various Headings, Explanatory Notes, and Critical Remarks

6. Critical Remarks on the Hebrew Scriptures

۷. پژوهشگران بعدی نیز به این نتیجه رسیدند که ششمین کتاب عهد قدیم با کتب پیش از خود قرابت‌هایی واقعی داشت، نه با کتب پس از خود. «کتاب یوشع تکمیل و استمرار ضروری پنج کتاب حضرت موسی بود. رشته‌های مختلف روایت را ادامه می‌دهد و ثبت می‌کند چگونه وعده‌ها، عملی و احکام اجرا شد. پژوهش‌های انتقادی بعد، با اثبات این نکته که عبارات و قواعد هریک از اسناد اسفار خمسه در کتاب یوشع نیز دیده می‌شود، این دیدگاه را تأیید می‌کند؛ از این رو، اکنون شیوه مقرر بحث و تألیف این است که از اسفار سته (hexeteuch) سخن بگویند، نه از اسفار خمسه (pentateuch)» (Strahan, 1908, P.316).

8. Fragmentary Hypothesis

1. Einleitung in das Alte Testament

2. Elohim document

3. Jehova document

پدر و آغازگر یک رویداد دشوار است، تا پژوهشی به یک مرحله جدید برسد، محققان بسیاری دست اندرکارند» (Friedman, 1987, p.25). به بیان دیگر، «در شناخت موقعیت شکل‌گیری یک ایده دشواری‌هایی وجود دارد. سرشت علوم انتقادی پیش‌رونده است. فرضیه‌های نو و رویکردهای تحلیلی بیشتر به مقوله ترکیب، ساختن بر روی یا تثبیت نظریه‌ها و فنون قبلاً موجود مربوط می‌شود. کاملاً جدید پدیده نادری است و ویژگی معرف آثار دوران‌ساز نیست» (Knight, 2006, p.37). بنابراین، معرفی شخصی به‌عنوان آغازگر فرضیه جدید، همیشه با تسامح همراه است، به‌ویژه اینکه هیچ توافق نظری در این باره وجود ندارد؛ به هر حال، یولیوس ولهاوزن، اگر نگوییم بنیان‌گذار و آغازگر فرضیه متأخر اسناد، یقیناً بزرگ‌ترین شارح و مفسر آن است؛ ایشان ویلهلم مارتین لبرشت دوت^۵ (۱۷۸۰-۱۸۴۹) را «پیشگام دوران‌ساز نقد تاریخی در این حوزه» می‌داند (Wellhausen, 1961, p.4). ما نیز رشته بحث را از او آغاز می‌کنیم.

نظر دوت درباره ماهیت اسفار خمسه، به نظریه قطعه‌ها و نظریه تکمیل متمایل است. او با ارجاع به ویژگی‌های خاص سبک‌شناختی و اندیشه‌های کلیدی تثبیه، مدعی شد تثبیه یک منبع مستقل است «دوت در ۱۸۰۵ سفر تثبیه را اثر مستقل بازشناخت و آن را همان مجموعه شرعی دانست که زمان سلطنت یوشیا (سده هفتم ق.م) یافته شد و گزارش آن در دوم پادشاهان، ۲۲-۲۳ مضبوط است. هم‌زمان، او نه‌تنها اظهار داشت تثبیه در زمان یوشیا کشف شد، مدعی شد این اثر را او به وجود آورد» (Ausloos, 2015, p.x). به بیان دیگر، پژوهش دوت پژوهشگران را با منبع مستقل سومی در نگارش اسفار خمسه آشنا می‌کرد: تثبیه (D). احتمالاً مهم‌ترین دستاورد دوت، بسط رویکرد نقد تاریخی در مطالعات عهد قدیم و بازسازی دین اسرائیلیان باستان

فاتر^۱ (۱۷۷۱-۱۸۲۶) این فرضیه را در آلمان معرفی کرد و آن را شرح و بسط داد. فاتر معتقد بود در نگارش پیدایش مجموعاً از ۳۹ قطعه، در دو مجموعه موازی که اسامی الوهیم و یهوه را برای اشاره به خدا به کار می‌برد و در نگارش تثبیه از ۲۰ قطعه استفاده شده است.

گئورگ هاینریش آوگوست اوال^۲ (۱۸۰۳-۱۸۷۵) نتایج فرضیه قطعه‌ها را با مطالعات متنی سازگار نمی‌دانست و از این رو به صورت‌بندی فرضیه جدیدی پرداخت که به فرضیه تکمیل^۳ مشهور شد. او شاگرد و جانشین آیشهورن بود و آثار به‌نسبت فراوانی در حوزه مطالعات کتاب مقدس، تاریخ اسرائیل و زبان‌های سامی به رشته تحریر درآورد. «اوال نقد تاریخی را نه یک تهدید دینی، ابزاری برای بازسازی فرایندی می‌دانست که مشیت الهی انتخاب کرده بود تا بدان طریق ایمان حقیقی را برای بشریت آشکار کند» (Petroff, 2006, p.589). درباره منابع نگارشی اسفار سته، او معتقد بود ویراستار آن سند الوهیم‌نگار را متن اساس نگارش برگزید و بعد برای تکمیل روایت‌هایش مطالبی از یک سند مستقل یهوه‌نگار بدان افزود: «او سند یکپارچه الوهیم‌نگار، که آن را کتاب مبادی می‌خواند، شالوده اسفار سته و آرمان‌ها و قواعد مسلّمش را نظم‌دهنده و وحدت‌بخش کل ساختار آن می‌دانست» (Strahan, 1908, p.316). به اعتقاد او، یک ویراستار این منبع را با مطالبی از منبع یهوه‌ای ذاتاً مجزایی بسط می‌دهد. فرضیه قطعه‌ها و فرضیه تکمیل که به‌منزله نقدهایی بر فرضیه متقدم اسناد شکل گرفت، در زمان خود حامیان به‌نسبت شاخص و مشهوری داشت؛ اما با گذشت زمان منزلت خود را از دست دادند. به‌تازگی صورت‌هایی از این دو فرضیه مطرح شده است.

۳-۳ دوره اصلاح: فرضیه متأخر اسناد

به گفته فریدمن، «تعیین شخصی به‌عنوان بنیان‌گذار،

1. Johann Severin Vater

2. Georg Heinrich August Ewald

3. Supplementary Hypothesis

4. Elohist document

5. Wilhelm Martin Leberecht de Wette

با نقد تاریخی عهد قدیم برای نخستین بار جنبش انتقادی را در پیوند با تاریخ اسرائیلیان مطرح کرد. در نظر او، «نقد دیگر یک کار ادبی صرف نبود و خدمتکار تاریخ ادیان شد» (Strahan, 1908, p.316).

پس از اعلام استقلال سند تنبیه از سوی دوت، دیدگاههای هرمان هوففلد^۲ (۱۷۹۶-۱۸۶۶)، استاد دانشگاه هاله^۳ و مرید مشتاق دوت که البته هیچ وقت از شاگردان او نبود، راه را برای صورت‌بندی فرضیه متأخر اسناد باز کرد. مطابق فرضیه متقدم اسناد، پیدایش شامل دو سند الوهیمی و یهوه‌ای بود. هوففلد، احتمالاً به صورت مستقل، این ایده کارل دافیت ایلکن^۴ (۱۷۶۳-۱۸۳۴) را دوباره مطرح کرد که سند الوهیمی یکپارچه نیست و باید آن را به دو سند مجزا تقسیم کرد. مطابق دیدگاه هوففلد، ترکیب تدریجی چهار سند باعث تشکیل اسفار خمسه شد: الوهیم‌نگار متقدم^۵ (E¹)، الوهیم‌نگار متأخر^۶ (E²)، یهوه‌نگار^۷ (Y) و تنبیه‌نگار^۸ (D). الوهیم‌نگار متقدم همانی است که بعداً قوانین کهناتی^۹ (P) نامیده می‌شود. «الوهیم‌نگار متقدم همان اصل^{۱۰} بود که ویراستار اسفار خمسه به عنوان مبنا برمی‌گزیند و الوهیم‌نگار دوم و نیز یهوه‌نگار را تا حد امکان به صورت کامل و بی نقص در آن ادغام می‌کند» (Römer, 2006, p.11). به نظر هوففلد، یهوه‌نگار از همه جدیدتر بود.

ادوارد روس^{۱۱} (۱۸۰۴-۱۸۹۱) کوشید با رویکرد تاریخی، ترتیب زمانی کتب انبیا، شرایع موسوی و مزامیر داود را بررسی کند. او در ۱۸۳۴ مدعی شد «به لحاظ روانشناختی درک‌پذیر نیست که ملتی تاریخ خود را با

است. او در کتاب دوران‌ساز مقالاتی در مقدمه به عهد قدیم^۱ (۱۸۰۶-۱۸۰۷) دیدگاهی نسبت به تاریخ دین اسرائیلیان ترسیم کرد که با دعای خود عهد قدیم در تعارض بود. به اعتقاد او، این دعوی کتب اول و دوم تواریخ که شریعت موسوی از ابتدا با تاریخ دینی و آیینی اسرائیلیان باستان ملازم بود، با واقعیت‌های تاریخی تأیید نمی‌شود. پژوهشگران عمدتاً وثاقت تاریخی کتب تواریخ را مسلم می‌گرفتند؛ اما دوت با رویکرد نقد تاریخی دریافت که نویسندگان این کتب کوشیده‌اند با استفاده مغرضانه از کتب تاریخی قدیمی‌تر عهد قدیم به بازنویسی اصول‌گرایانه تاریخ اسرائیل بپردازند: او «نشان داد نویسندگان این کتب مغرضانه از کتب تاریخی قدیمی‌تر اول و دوم سموئیل و اول و دوم پادشاهان استفاده کردند و جانبداری از یهودا و خصومت با اسرائیل انگیزه آنان بود و به طور خلاصه تصویر ارائه‌دهنده از دین و آیین اسرائیل پیش از اسارت، اشتباه تاریخی و خوانشی اصول‌گرایانه است که به زمان‌هایی آغازین عمل دینی و آیینی معبد دوم بر می‌گردد» (Nicholson, 1998, p.5)؛ برای مثال، در تنبیه گفته شده است «با یهوه خدایتان به نحوی دگر عمل کنید. تنها در مکانی که یهوه خدایتان در میان جمله اسباط، شما را برگزیده است تا نام خود را در آنجا قرار دهد و ساکن گرداند، به جستن او آید» (تنبیه، ۱۲: ۴). به اعتقاد او، این اندیشه که بر مرکزیت عبادت دلالت دارند، نه یک واقعیت تاریخی که اشتباهی تاریخی است، زیرا برای شخصیت‌هایی نظیر سموئیل، شائلول، داوود و سلیمان کاملاً ناشناخته بود. همچنین، او معتقد بود «توصیف خیمه در خروج، ۲۵: ۸ مبتنی بر تصویر معبدی است که سلیمان ساخت و ازین رو مقدم بر این دوره نیست، و تمییز بین کاهنان و لویان در بخش‌های کهناتی اسفار خمسه تا زمان‌های متأخر در تاریخ اسرائیل ناشناخته بود» (Nicholson, 1998, p.6). در واقع، دوت

2. Hermann Hupfeld

3. University of Halle

4. Karl David Ilgen

5. earlier Elohist

6. later Elohist

7. Yahwist

8. Deuteronomist

9. Priestly Code

10. Urschrift

11. Édouard Reuss

1. Beiträge zur Einleitung in das Alte Testament

ترکیب شده J و E را مفروض گرفته است ... از سویی دیگر، نویسنده تثنیه از قوانین کهانتی خروج، لاویان و اعداد مطلع نیست و ازین رو باید تاریخ آنها را بعد از پیدایی تثنیه در سده هفتم قرار داد» (Nicholson, 1998, p.9). گراف سپس به این دیدگاه آبراهم کونن^۷ (۱۸۲۸-۱۸۹۱)، محقق هلندی و استاد دانشگاه لیدن^۸، متمایل شد که قوانین کهانتی مندرج در پیدایش را نمی توان از قوانین کهانتی دیگر بخش های اسفار خمسه تفکیک کرد و به همین دلیل باید به تأخر تاریخی آن نیز اذعان کرد.

در آن زمان که ادوارد روس در باب ترتیب نگارش کتب عهد قدیم بحث و بررسی می کرد، یوهان کارل ویلهلم واتکه^۹ (۱۸۰۶-۱۸۸۲) نیز در ترسیم علمی الاهیات کتاب مقدس^{۱۰} به نتایجی مشابه او رسید. در عین حال، واتکه می کوشید با بررسی سرخ های در متون اسفار خمسه، روند پیشرفت دین اسرائیلیان باستان را پی بگیرد. او در مطالعات خود به این نتیجه رسید که اسفار خمسه بیان کننده پیشرفت دین اسرائیل در سه مرحله متوالی است که نشان هریک از آنها در اسناد دیده می شود. به باور او، «J و E بیان کننده مرحله ای بسیار متقدم در پیشرفت دین اسرائیلیان است؛ زمانی که این دین اساساً دین طبیعت / باروری^{۱۱} بود. مطابق تفسیر او، D بازتاب دهنده مرحله میانی از پیشرفت دینی است؛ زمانی که ایمان اسرائیل دینی معنوی / اخلاقی^{۱۲} بود، عصر انبیای بزرگ اسرائیل. او سند P را بیان کننده مرحله متأخر دین اسرائیلیان می دانست، مرحله دین کهانتی، مبتنی بر کاهنان، قربانی ها، مناسک و شرایع» (Friedman, 1987, p.25).

مجموعه قوانینی کاملاً مبسوط آغاز کند. به گمان او این نکته توجه پذیر نیست که کل انبیا از قوانین کشور خود، که باید نظیر دیگر افراد بدان احترام بگذارند، غافل باشند» (Strahan, 1908, p.316). او به این نتیجه رسید که تاریخ نگارش کتب انبیا بر قوانین موسوی مقدم است و مزامیر داود از همه جدیدتر است. «در ابتدا، روس جرئت نمی کرد این اندیشه ها را به نحوی نظام مند منتشر کند ...؛ بلکه در مقاله هایی مختلف که برای فرهنگ ها و مرور کتاب ها می نوشت، بدان ها اشاره هایی می کرد» (Smend, 2006, p.249). تاریخ مقدس و شریعت^۱ او در ۱۸۷۹ و تاریخ کتب مقدس: عهد قدیم^۲ در ۱۸۸۱ منتشر شد. همین تأخیر و تردید او در نشر اندیشه هایش باعث شد شاگرد او کارل هاینریش گراف^۳ (۱۸۱۵-۱۸۶۹) پیش قدم شود و ایده تأخر تاریخی مجموعه کهانتی نسبت به سایر اسناد را حدود یک دهه پیش از او در کتب تاریخی عهد قدیم^۴ (۱۸۶۶) منتشر سازد؛ به همین دلیل، این فرضیه اکنون به «فرضیه گرافی»^۵ معروف است.

گراف استاد دانشگاه لایپزیش^۶ و یکی از باهوش ترین شاگردان ادوارد روس بود. او «می کوشید با ارجاع به متون مختلف کتاب مقدسی استنباط کند کدام متن به لحاظ منطقی بر دیگر متون مقدم است» (Friedman, 1987, p.24). او این باور رایج پژوهشگران را به چالش کشید که قوانین کهانتی (P) قدیمی ترین سند موجود در اسفار خمسه است. او ابتدا بخش هایی از قوانین کهانتی را بررسی و تحلیل کرد که در خروج، لاویان و اعداد مندرج بود. او «با تأکید بر هسته اصلی تثنیه به منزله اساس کار خود - معتقد بود این بخش از فصول ۴-۲۶ و ۲۸ کتاب حاضر تشکیل شده است - نشان داد نویسنده آن منابع

7. Abraham Kuenen

8. Leiden University

9. Johann Karl Wilhelm Vatke

10. Die biblische Theologie wissenschaftlich dargestellt

11. nature/fertility religion

12. spiritual/ethical religion

1. L'Histoire Sainte et la Loi

2. Die Geschichte der Heiligen Schriften: Altes Testaments

3. Karl Heinrich Graf

4. Die Geschichtlichen Bücher des Alten Testament

5. Grafian Hypothesis

6. Leipzig University

تکوین اسفار سته دغدغه نهایی ولهاوزن نبود؛ بلکه می‌خواست به تبیین مراحل پیشرفت دین و آیین اسرائیلیان بپردازد. به اعتقاد او، سه لایه ادبی تشکیل دهنده اسفار سته بیان‌کننده سه مرحله تطور است که با سه دوره تاریخی اسرائیل تطابق دارد: (۱) در مرحله نخست، دیانت اسرائیلیان باستان صورت «اولیه» و «طبیعی» دارد. این مرحله که به دوره باستان اسرائیل تا سده‌های نهم و هشتم ق.م متعلق است، در اسفار سته با JE تناسب دارد؛ (۲) در مرحله دوم، صورت‌بندی دیانت مرکزگرایانه وجود دارد که نتیجه فروپاشی پادشاهی شمال و تقویت پادشاهی جنوب است. این مرحله مربوط به سده‌های هفتم و ششم ق.م است و در اسفار سته با سند D مطابقت دارد؛ (۳) یهودیت در مرحله سوم شکل گرفت و محصول فروپاشی پادشاهی جنوب، تبعید بابلی و مساعی یهودیان متعصب پساتبعد برای تشکیل اسرائیل جدید است. این مرحله به سده‌های پنجم و چهارم ق.م بر می‌گردد و در اسفار سته با سند P تطابق دارد. بدین نحو، ولهاوزن بین دین، ادبیات و تاریخ اسرائیل پیوندی محکم و استوار برقرار ساخت.

۴ نقدهای مبنایی

فرضیه متأخر اسناد، نظیر هر فرضیه دیگری، با نقدهایی مواجه شد که در دو دسته کلی «درونی» و «مبنایی» جای دارند. نقدهای درونی، چارچوب فرضیه مذکور را قبول دارند؛ خطابشان صرفاً به مصادیق اسناد اساس است. دسته دوم، نقدهایی مبنایی است که ادله و اساس فرضیه مذکور را به چالش می‌کشند. ادله فرضیه مذکور بدین صورت برشمرده می‌شود: (۱) اسامی دوگانه یهوه و الوهیم؛ (۲) المثنی‌ها و مکررات؛ (۳) تناقض‌ها؛ (۴) تفاوت‌های زبانی و سبکی؛ (۵) وحدت عقیدتی اسناد؛ (۶) بخش‌های ترکیبی. نقدهای مبنایی می‌کوشند با تردید در منطق و

یولیوس ولهاوزن^۱ (۱۸۴۴-۱۹۱۸) در دانشگاه گوتینگن^۲ شاگرد اوالت بود، سپس استاد دانشگاه گرایفسوالد^۳ شد. او بعد از این منصب کناره گرفت و به ترتیب در دانشگاه‌های هاله، ماربورگ^۴ و گوتینگن استاد مطالعات شرقی شد. ولهاوزن یافته‌های گراف در تعیین ترتیب تاریخی کتب عهد قدیم را پذیرفت و همچنین کوشید رویکرد واتکه را اتخاذ کند و سیر پیشرفت دین و آیین اسرائیلیان باستان را پی بگیرد. او این یافته پژوهشگران پیشین را پذیرفت که اسفار خمسه و کتاب یوشع یک کل را می‌سازند. همچنین، او این نظر گراف را پذیرفت که چهار سند یهوه‌نگار، الوهیم‌نگار، تثنیه‌نگار و قوانین کهانتی منابع اسفار سته‌اند. ترکیب اسناد یهوه‌نگار و الوهیم‌نگار مجموعه JE را تشکیل می‌داد. سپس، D بدین مجموعه افزوده شد و JED تشکیل شد و در نهایت با پیوست P منابع اسفار سته تکمیل شد؛ البته ولهاوزن مدعی نبود منابع مذکور بدون هیچ تغییری به دست ویراستار نهایی رسیده باشند. او شواهدی آورد که بیان‌کننده تغییر و تصرف‌هایی در اسناد J و E بود و نشانه‌هایی یافت که نشان می‌داد پیش از ترکیب J و E و پیش از ادغام JE با تثنیه و قوانین کهانتی و تشکیل مجموعه نهایی اسفار سته، حک و اصلاحاتی صورت گرفته است. او «در پایان تحلیلش پیشنهاد کرد پژوهشی دقیق‌تر نشان خواهد داد دو منبع J و E پیش از ترکیبشان مرحله‌ای مختلف را طی کرده‌اند که می‌توان آنها را با حروف J1, J2, J3, E1, E2, E3 نشان داد و افزود به یک معنا هنوز نظریه تکمیل معتبر است» (Nicholson, 1998, p.11)؛ به هر حال، ترتیب تاریخی اسناد و روند

¹ Julius Wellhausen

² University of Göttingen

³ University of Greifswald

⁴ University of Marburg

۲-۴ المثنی‌ها و مکررات

استناد به المثنی‌ها و مکررات حاصل غفلت از فنون ادبی باستان و تکیه بر خوانشی مدرن است؛ اینها از فنون ادبی روایت در دوران باستان است (نک. «فرضیه اسناد»^۷ نوشته دوئین گرت^۸). همچنین گفته‌اند در واقع المثنی‌ها و مکررات، تکرار صرف نیستند؛ بلکه نقاط واگرایی آنها بیان‌کننده مشخصات عقیدتی خاصی است که نباید نادیده گرفت. لحاظ آنها در متن نه به خاطر وجود اسناد مستقل، برای بیان نکات متفاوت است و از منظری دیگر حکایت دارند (نک. درسگفتار ششم فرضیه اسناد کاسوتو).

۳-۴ تناقض‌ها

در اسفار خمسہ گزارش‌هایی به ظاهر متناقض از یک رویداد ذکر می‌شود؛ برای مثال، در پیدایش، ۶: ۲ حضرت نوح مأمور می‌شود یک جفت از تمام حیوانات را سوار کشتی کند؛ اما در پیدایش، ۷: ۲ گفته می‌شود هفت جفت از حیوانات پاک. پیروان فرضیه اسناد این تناقض‌ها را دلیلی بر وجود اسناد مستقل گرفته‌اند. منتقدان مدعی‌اند مأموریت نخست، تصویری کلی است که پیش از ساخت کشتی مطرح است، اما دومی تصویر دقیقی است که درست پیش از طوفان ارائه می‌شود؛ دو وضعیت متفاوت مستلزم دو گزارش متفاوت است (نیز نک. درسگفتار پنجم فرضیه اسناد). یا در مورد گاه‌شماری متناقض روایت طوفان، برای مثال، گوردون جی. ونهام^۹ مدعی است صنعت قلب^{۱۰} اساس روایت مذکور را می‌سازد و هدف آن حفظ ساختار روایت است (نک. «انسجام روایت طوفان»^{۱۱})؛ برای مثال، انتظار هفت روزه دو بار گزارش می‌شود (پیدایش، ۷: ۴-۱۰) تا دوره چهارده روزه

انسجام ادله فوق، فرضیه اسناد را بی‌اعتبار سازند.

۱-۴ وجود اسامی دوگانه یهوه - الوهیم

منتقدان وجود اسامی دوگانه را دلیلی استوار نمی‌دانستند؛ زیرا در الوهیم‌نگار نیز (مثلاً پیدایش، ۲۲: ۱۱) خدا با اسم یهوه خطاب می‌شود، یا در یهوه‌نگار ترکیب یهوه‌الوهیم وجود دارد (پیدایش، ۲-۴). موسی هریش سگال^۱ مدعی است اسامی یهوه و الوهیم گاه در متون یک سند به جای هم به کار می‌روند (نک. اسفار خمسہ: تألیف و وثاقت آن^۲). به اعتقاد اومبرتو کاسوتو^۳، الوهیم و یهوه، نه بیان‌کننده وجود اسناد مستقل، به دو ساحت متفاوت خدا اشاره دارند: یهوه ارتباط او با اسرائیل را می‌رساند و الوهیم به وجه جهان‌شمول او اشاره دارد (فرضیه اسناد و تألیف اسفار خمسہ: هشت درسگفتار؛ درسگفتار دوم). یا اینکه گفته می‌شود استفاده از اسامی مختلف، معیاری برای تأیید اسناد مستقل شمول‌پذیر نیست؛ در نتیجه معتبر نیست؛ برای مثال، نمونه‌هایی بسیار در منابع باستان (میان‌رودان، مصر و ...) هست که خدای معینی با اسامی مختلف خوانده می‌شود؛ اما پژوهشگران این حوزه آنها را شاهی بر وجود اسناد مستقل نگرفته‌اند (نک. شرق باستان و عهد قدیم^۴ نوشته کنت اندرسون کیتچن^۵)؛ بنابراین، معیار اسامی خدا، که عزیمت‌گاه فرضیه اسناد بود، مبتنی بر تفسیر نادرست، ترجمه نادرست و بی‌توجهی به منابع غیر کتاب مقدسی است.

¹ Moses Hirsch Segal

² The Pentateuch: Its Composition and Authorship (1967), Jerusalem, Magnes

³ Umberto Cassuto

⁴ The documentary hypothesis and the composition of the Pentateuch: eight lectures (2005), translated by Israel Abrahams, USA, Varda Books

⁵ Ancient Orient and Old Testament (1966), Chicago, Inter-Varsity

⁶ Kenneth Anderson Kitchen

7.

<http://www.biblearchaeology.org/post/2010/09/24/The-Documentary-Hypothesis.aspx> accessed on August 21st, 2018.

⁸ Duane Garrett

⁹ Gordon J. Wenham

¹⁰ chiasmus

¹¹ "The Coherence of the Flood Narrative" (1987), Vetus Testamentum 28: 336-48

کنند. آنها بدین نتیجه رسیدند که پیدایش حاصل سه سند مجزا نیست، بلکه یک وحدت ادبی است (نک. پیدایش: یک مطالعه تألیف محور^۶).

۵-۴ وحدت عقیدتی اسناد

به باور مخالفان، قول به وحدت عقیدتی اسناد مستلزم پذیرش پیشینی فرضیه مذکور است، نه برهانی برای اثبات آن. همچنین، پژوهشگران سنت انتقادی چندان اعتباری برای معیارهای فرضیه اسناد در شناخت لایه‌های الاهیاتی کتاب مقدس قائل نیستند و نادر بدان اسناد می‌کنند. تامس ل. تامپسون^۷ یادآور می‌شود E دیگر در پژوهش الاهیاتی جایگاهی ندارد و J به‌زودی از حیطة نظر بیرون می‌رود (نک. سرچشمه سنت اسرائیل باستان^۸، فصل دوم). وایبرای نیز می‌گوید الاهیات یهوه‌نگار جایگاه پیشین خود را نزد پژوهشگران انتقادی از دست داده است (نک. ایجاد اسفار خمسه، زیربخش "ارزیابی معیارها").

۶-۴ بخش‌های ترکیبی

بخش‌هایی در کتاب مقدس هست که ظاهراً حاصل یک قلم و اندیشه نیست. به باور پیروان فرضیه اسناد، این بخش‌ها حاصل ترکیب اجزایی مختلف از اسناد مستقل‌اند و آنها را تأییدکننده فرضیه خود می‌دانند. به اعتقاد کاسوتو، این تلقی با تحلیل پیوندهای منطقی و دستوری بین آیات و نیمه‌آیات و نیز ساخت درونی بخش‌ها تأیید نمی‌شود، بنابراین اسناد بدان بی‌وجه است. او به نحو موردی به مهم‌ترین موارد مدنظر پیروان فرضیه اسناد می‌پردازد و ضعف استدلالشان را نشان می‌دهد (نک. درسگفتار هفتم فرضیه اسناد).

۵ نتیجه

در نقد ادبی اسفار سته بی‌نظمی‌ها و غرابت‌های دستوری،

(پیدایش، ۸: ۱) متعادل شود. منتقدان معتقدند روایت طوفان ساختار منسجم دارد و ذیل ادبیاتی است (چند گزارش از طوفان در متون خاورمیانه باستان هست؛ در داستان گیلگمش، ارتهسیس^۱، رأس شماره^۲ و ... که بسیار قدیمی‌تر از ویراست‌های قوانین کهناتی است.

۴-۴ قرائن سبک‌شناختی

منتقدان، اسناد پیروان فرضیه متأخر اسناد به تفاوت‌های سبک‌شناختی را نتیجه تقسیم ساختگی می‌دانند. به اعتقاد آنها، سبک «خشک و بی‌روح» نسب‌شناسی‌های سند P صرفاً بدین دلیل است که نسب‌شناسی است؛ برای مثال، راجر نورمن وایبرای نشان می‌دهد نسب‌شناسی‌های سند J به اندازه P خشک و بی‌روح‌اند و اسناد اساس معرف سبک واقعی یکدستی نیستند (نک. ایجاد اسفار خمسه: مطالعه روش‌شناختی^۳، زیربخش «ارزیابی معیارها»). به اعتقاد کاسوتو، اسناد پیروان فرضیه اسناد به شواهد سبک‌شناختی دقیق نیست؛ زیرا (۱) از تفاوت‌های زبانی برای شناسایی نسب بخش‌هایی استفاده می‌کنند که باید بعد از آنها برای تعیین مشخصات زبان‌شناختی اسناد استفاده کرد. این دور است؛ (۲) متون را برای تطابق با فرضیه خود اصلاح می‌کنند؛ (۳) تلقی مکانیکی از واژگان و صورت‌ها دارند؛ چنانکه گویی پیوندی با بستر ندارند و بستر بر آنها تأثیر نداشته است؛ درحالی‌که ممکن است یک سند با توجه به تفاوت‌های معنایی واژگان یا به دلیل تنوع، از فهرست مکانیکی و بسته پیروان فرضیه اسناد عدول کند (نک. درسگفتار چهارم فرضیه اسناد). یهودا ت. ردای^۴ و حییم شور^۵ با تکیه بر کامپیوتر به تحلیل زبان‌شناختی پیدایش پرداختند و کوشیدند تا حد امکان تمام متغیرها و عامل‌ها را لحاظ

1. Atrahasis

2. Ras Shamra

3. The Making of the Pentateuch: A Methodological Study (1987), Sheffield, JSOT

4. Yehuda T. Radday

5. Haim Shore

6. Genesis: An Authorship Study (1985), Rome, Pontifical Biblical Institute

7. Thomas L. Thompson

8. The Origin Tradition of Ancient Israel (1987), Sheffield, JSOT

پیوند یافت. مطابق برداشت فرضیه متأخر اسناد و در رأس آنها ولهاوزن، مساعی انبیای بزرگ بنی اسرائیل باعث شد صورت ابتدایی و ساده دین مشایخ به مرحله توحید اخلاقی برسد. سپس، تحت فعالیت یهودیان متعصب بازگشته از تبعید یک صورت‌گرایی و نهادگرایی دینی، با محوریت کاهنان و قوانین کهنانی شکل گرفت. این فرضیه، نظیر هر فرضیه دیگری، منتقدان و مخالفانی داشت که برخی از آنها کوشیدند با تردید در ادله بنیادین فرضیه مذکور، آن را از اساس بی اعتبار سازند.

منابع

- ۱- اسپینوزا، بندیکت، (۱۳۹۶)، رساله‌ الاهی - سیاسی، مترجم علی فردوسی، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ۲- بار، جیمز، (۱۳۸۶)، «نقادی مدرن کتاب مقدس»، مترجم حامد فیاضی، مجله هفت آسمان، شماره ۳۴، صص ۱۹۱-۲۰۷.
- ۳- کیویت، دان، (۱۳۷۶)، دریای ایمان، مترجم حسن کامشاد، تهران، طرح نو.
- ۴- هابز، توماس، (۱۳۸۹)، لویاتان، مترجم حسین بشیریه، تهران، نشر نی.
- ۵- یاسپرس، کارل، (۱۳۷۸)، اسپینوزا: فلسفه، الاهیات و سیاست، مترجم محمدحسن لطفی، تهران، طرح نو.

- 6- Ausloos Hans (2015), *The Deuteronomist's History: The Role of the Deuteronomist in Historical-Critical Research into Genesis-Numbers*, Leiden & Boston, Brill
- 7- Brown, Colin (2007), *Enlightenment Period, Dictionary of Biblical Criticism and Interpretation*, ed. By Stanley E. Porter, London & New York, Routledge
- 8- Creed, John, Smith, John, Boys (2013), *Religious Thought in the Eighteenth Century*, Cambridge, Cambridge New University Press
- 9- Friedman, Richard Elliott (1987), *Who Wrote The Bible*, United States, Summit Books
- 10- Friedman, Richard, Elliott, Overton, Shawna Dolansky (2007), *Pentateuch*,

واژگانی، روایی و مفهومی و فنون ادبی دلالت‌هایی محسوب می‌شدند که بیان‌کننده لایه‌های ادبی متفاوت بود. اتخاذ این رویکرد در سده‌های هیجدهم و نوزدهم باعث شد فرضیه‌هایی مختلف درباره ماهیت اسفار ختمه / سته شکل بگیرد؛ از جمله: فرضیه متقدم اسناد، فرضیه قطعه‌ها، فرضیه تکمیل و فرضیه متأخر اسناد. مفروض بنیادین فرضیه‌های مذکور این است که اسفار سته دارای وحدت ادبی نیست، بلکه در گذر زمان طول و تفصیل یافته است و مشتمل بر لایه‌های ادبی متفاوت است. این مفروض خودسرانه نیست، بلکه به مشکلاتی پاسخ می‌دهد که متن مطرح می‌کند. فرضیه کلاسیک اسناد با روایت کامل اسفار ختمه / سته آغاز می‌شود و این روایت را به لایه‌ها یا اسناد ادبی تقسیم می‌کند؛ اما فرضیه‌های قطعه‌ها و تکمیل، توجه‌اش را به تکوین و امکان مراحل متقدم‌تر این روایت، معطوف و با کوشش برای فهم تاریخ هریک از اسناد آغاز می‌کنند. این فرضیه‌ها احکامی ایمانی نیستند، بلکه فرضیات معقولی‌اند که تابع گفتمان علمی‌اند. می‌توان یا باید آنها را تأیید یا تکذیب کرد، اصلاح کرد یا بینش‌هایی جدید بدان افزود یا با هم ترکیب کرد. به اعتقاد نویسندگان، هیچ فرضیه یا نظریه‌ای نمی‌تواند ابتدا به ساکن ظهور کند و به صورت بندی نهایی برسد؛ به همین دلیل، مقاله پیش رو با بررسی پیشینه تاریخی مطالعات انتقادی آغاز شد. فرضیه متقدم اسناد در واقع نخستین تلاش برای تبیین این نکته بود که المثنی‌ها، ناسازگاری‌ها و سایر غرابت‌های موجود در متن، حاصل تفاوت‌ها و اختلاف‌هایی است که در متون اصلی وجود داشت؛ سپس، توجه از شناسایی صرف اسناد مبنا به تعیین نسبت تاریخی آنها با یکدیگر معطوف شد. نتایج این مطالعات سنت‌شکنانه بود؛ زیرا برخلاف دعاوی عهد قدیم و آموزه‌های سنتی، بر تأخر تاریخی شرایع موسوی نسبت به سایر اسناد تأکید داشت. این مطالعات، با تأثیر از واتکه و ولهاوزن، از کار ادبی صرف فراتر رفت و با تبیین مراحل پیشرفت دین اسرائیلیان و کیفیت هریک از آن مراحل

- Encyclopaedia Judaica, vol. 15, ed. by Chief Fred Skolnik, New York & else where, Thomson Gale
- 11- Knight, Douglas (2006), *Rediscovering the Traditions of Israel*, Atlanta, Society of Biblical Literature
- 12- Kratz, Reinhard (2016), *The Analysis of the Pentateuch: An Attempt to Overcome Barriers of Thinking*, trans. by Stephen Germany, ZAW, 128(4), 529–561
- 13- Nicholson, Ernest (1998), *The Pentateuch in the Twentieth Century: The Legacy of Julius Wellhausen*, New York, Oxford University Press
- 14- Petroff, Jacob (2006), Ewald, Heinrich Georg August, Encyclopaedia Judaica, vol. 2, ed. by Chief Fred Skolnik, New York & else where, Thomson Gale
- 15- Römer, Thomas Christian (2006), *The Elusive Yahwist: A Short History Of Research, A Farewell to the Yahwist: The Composition of the Pentateuch in Recent European Interpretation*, ed. Christopher R. Matthews, Atlanta, Society of Biblical Literature
- 16- Roth, Norman (2003), *Medieval Jewish Civilization: An Encyclopedia*, New York, Routledge
- 17- Segal, Moses Zevi (2006), Astruc, Jean, Encyclopaedia Judaica, vol. 2, ed. by Chief Fred Skolnik, New York & else where, Thomson Gale
- 18- Ska, Jean Louis (2006), *Introduction to Reading the Pentateuch*, trans. by Pascale Dominique, Indiana, Eisenbrouns
- 19- Smend, Rudolf (2006), Reuss, Eduard, Encyclopaedia Judaica, vol. 17, ed. by Chief Fred Skolnik, New York & else where, Thomson Gale
- 20- Strahan, James (1908) *Criticism (Old Testament)*, Encyclopædia of Religion and Ethics, ed. by James Hastings, vol. 4, Edinburg, T & T Clark
- 21- Ta-Shma, Israel Moses (2007), Bonfils (Tov Elem) Joseph Ben Aliezer, Encyclopaedia Judaica, vol. 4, ed. by Chief Fred Skolnik, New York & else where, Thomson Gale
- 22- Wellhausen, Julius (1961), *Prolegomena To The History Of Ancient Israel*, trans. by Mr. Menzies & Mr. Black, Cleveland & New York, The World Publishing Company